

سیل خروشان تصمیمات اشتباه!

به گزارش [شیکه اطلاع رسانی هرمز](#)؛ باز هم ماجراهای تکراری؛ تعلیق و بعد اخراج یک سرمربی پیش از اتمام موعد قرارداد و بدون تعامل، گفت و گو و برقراری جلسه کمیته فنی در حضور خود او و صرفاً طی ارسال یک نامه که از قول خود مدیرعامل (معلوم نیست آیا دریافت کرده یا نکرده!)

شرم آور است وقتی که آقای فتحی در گفت و گوی تلفنی مواخذه می شود فرافکنی می کند و از منزلت استقلال مایه می گذارد! پشت سر مجیدی سنگر می گیرد (سرمايه ای که قرار نیست سوخت شود!)

اذعان دارد تصمیم جمعی و نه شخصی بوده، از قبل برای آن تدارک دیده شده «به کدام نشان؟» چه تصمیمی که بدون ایجاد یک پیش زمینه و بستر مناسب نه از در دوستی و با صبر و حوصله بلکه با غضب و بی احترامی گرفته می شود و در قالب یک بمب خبری تیر یک خبرگزاری ها و روزنامه ها می شود.

آقای فتحی این لاف ها را متحمل جامعه ی پرطرفدار یک باشگاه نکنید؛ این جماعت اگر برای لحظه ای بعد از باخت و فاصله گرفتن از کورس قهرمانی مثل خود شما احساسی می شوند در مقام مسئول نیستند که احساسی تصمیم بگیرند. پس چه فرقی بین شما (مدیر) و یک جوان (تماشاچی)؟!

چطور است که روحیه و میل جمعی مدیران این دو باشگاه با اخذ و فسخ شتابزده ی قراردادهای عموماً یک طرف آن ها مربیان خارجی هستند تا (داخلی) سازگاری بیشتری دارد و مسبوق به سابقه است. چنین مدیرانی با علم بر اینکه در پست خود عمر کوتاهی خواهند داشت به وقت پاسخگویی در حاشیه امن هستند چرا که هنگام اخراج مربیان و پرداخت نکردن مطالباتشان و بعد از سپری شدن پروسه ی شکایت به قاضی القضاة مدیر «وقت» باید عهده دار پرداخت جریمه ها از جیب بیت المال باشد نه مدیران قبل که یکی قرارداد را اخذ و دیگری آن را فسخ کرده است.

آیا در این اخذ و فسخ ها از ناحیه ی دلال ها و پورسانت بگیرها شُبّه منفعت مالی برای این مدیران تقویت نمی شود؟! ضمن اینکه اگر این مدیر مالک شخصی این باشگاه بود آیا حاضر می شد 1.200 میلیون دلار معادل هفده میلیارد تومان از جیب شخصی خود بپردازد؟! خیر مگر

آنکه این شخص آبراموویچ باشد! که نیست پس بی سبب نیست که سایت های ورزشی و صفحات اجتماعی برخورد فتحی با شفر را مصداق برخورد رویانیان با ژوزه می دانند که تبعات آن تصمیم و سرجمع همه تصمیمات نادرست پای رویانیان را به زندان کشاند.

در شرایط معمول برای بازی های باقی مانده، مجیدی نه تیم را به دسته پایین تر می برَد و نه قهرمان می کند و در بهترین حالت سهمیه را از دست نمی دهد، کاری که استاد بهتر از شاگرد می تواند انجام دهد. پس بهتر نبود با گفت و گو های تعاملی در پایان فصل قطع همکاری شرافتمندانه ای صورت می گرفت؟! و شفر با خوشی بدرقه می شد. آن وقت پل های پشت سر باشگاه خراب نمی شد و جایی برای تخفیفِ خسارت باقی می ماند.

کسی منکر مشکلات ساختاری این دو باشگاه نیست که وقتی دولت جدید بر سر کار می آید مثل عروسک خیمه شب بازی این دو باشگاه را به بازی می گیرند و کیفشان که کوک می شود آواز پوچ واگذاری سر می دهند. در این اوضاع نابسامان وقتی مدیر عاملی آگاه به این امور است؛ با قبول مسئولیت سنگین که بار (مادی و عاطفی) بالایی دارد؛ جایی که با یک باخت به قیمت از دست رفتن جان و یک بند قرارداد به قیمت میلیون ها دلار زیان تمام می شود، مدیر باید کاردان و دست پاک باشد.

بلاخص در شرایط ویژه ای که رئیس اش بدشانس ترین رئیس جمهور ایران لقب گرفته است و از بی پولی برای کمک به سیل زدگان دست به دامان صندوق ذخیره ارزی می شود. از همین رو گاف 1/2 میلیون دلاری ممنوع است زیرا با سقوط لحظه ای ریال سه برابر که هیچ سی برابر زیان ده است و قدرت تخریب دارد. بنابراین ذکر این نکته ی مهم ضروری است که بعد از کش و قوس های فراوان و حکم فیفا یا تصمیم باشگاه استقلال مبنی بر میزان مبلغ پرداختی به شفر؛ مردم این جمله ی فتحی را که مدعی است « هزینه جدایی شفر را با هزینه نزدیک به صفر انجام می دهیم» به یاد بیاورند که اگر مغایرتی با آنچه گفته است پیدا کرد «عوام فریبی» کرده است. پس باید سرنوشتی همچون همتای خود یعنی رویانیان پیدا کند. به این معنا که به میز محاکمه کشانده شود.

روزنامه نگار و نویسنده